

بنام خدا

جنگ رمضان و معجزه امر ملی:

جنگ و حمله نظامی دشمن برای فروپاشی زندگی جمعی صورت می گیرد. ولی اگر پس از حملات نظامی و تخریب ها و کشتارهای دشمن متجاوز، نه تنها این فروپاشی اتفاق نیفتد و بلکه اتحاد و انسجام ملی برجسته تر شود و ارتقایی در مناسبات زندگی اجتماعی صورت گیرد؛ معجزه امر ملی رخ داده است. شهادت بزرگ رهبر نظام جمهوری اسلامی ایران که از سلاله سادات و از وارثان انبیای الهی بود وقتی توأم با جنایت فجیع و شوک عاطفی کشتار دانش آموزان بیگناه مدرسه دخترانه میناب، شهادت فرماندهان و سران نظامی کشور و بسیاری از غیرنظامیان و تخریب شدید زیرساختهای صنعتی و نظامی کشور شد؛ هرکسی می توانست پیش بینی کند که برای همیشه شیرازه جامعه و تمدن ایرانی از هم بگسلد. ولی جامعه ایرانی توانست در جنگ رمضان با انتخاب رهبری یک شخصیت فقهی و سیاسی مثل آیت الله سید مجتبی خامنه ای به آرامش برسد و آن را به نمایش بگذارد. این آرامش ملی، مهمترین ویژگی نسخه سوم ولایت فقیه است که در افق جدید سیاست ایرانی گشوده شد و شاید بشود از آن به انقلاب سوم مردم ایران نیز تعبیر کرد.

از دیگر ویژگی های این بعثت عمومی و انقلاب سوم مردم، امتزاج کامل امر دینی و ملی و حل شکاف ها و چند قطبی های اجتماعی بود که البته مقدمات آن قبل از جنگ فراهم آمده بود و این جنگ آن را عیان کرد. بویژه بدرستی می توان رهبر شهید را معمار اصلی این تحول و خلاقیت ملی دانست. هرچند که شهادت رهبری و همچنین فضای ناشی از حمله آمریکا و شرایط جنگی کشور برای جا افتادن این تحول مساعدت کرد. رهبر شهید در دوران رهبری خود تا حد زیادی امتزاج حوزه دینی با عرصه های زندگی سیاسی و اجتماعی را ممکن کرده بود. چیزی که در ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی و در پذیرش رهبری امام راحل(ره) و حتی رهبر شهید، این درجه از ارتقای معرفتی را شاهد نبودیم. ویژگیهای فردی و توانمندیهای عرفی دو رهبر نخستین در انتخاب آنها مدخلیت جدی داشت؛ اما این بار مردم ایران با انتخاب رهبر جدید خود، آرامش، مدنیت و اقتدار درونی برجسته خود را به جهانیان نشان دادند. انقلاب و بعثت مردم نشان داد که نقش سیاسی دین در جامعه ایرانی تثبیت و امر ملی هم با آن تعریف می شود.

جنگ رمضان سبب شد که جامعه ایرانی، جوهره مکنون خود را عیان سازد و ملیت ایرانی را وارد مرحله جدیدی کند. مرحله جدید بگونه ای است که نقش مردم در تعیین سیاست ها و تصمیمات سیاسی برجسته تر می شود و تحولی در رابطه مردم و دولت صورت می گیرد. امر ملی و حس دخالت مردم در تصمیم گیری ها عمق یافته و متناسب با عرصه های پیچیده و بین المللی امروزی ظهور کرده است. تنظیم نسبت میان مردم و دولت یکی از چالش های همیشگی بوده است. این چالش گاه در قالب موضوعاتی چون خصوصی سازی، دولت حداقلی، مواجهه با کلان مسئله تورم و مقابله با تحریم های خارجی و ... خود را عیان می ساخت و گاه در حضور سیاسی مردم در انتخابات ها و تظاهرات و راهپیمایی های مردمی بویژه در سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی خود را آشکار می کرد. اما جنگ رمضان سبب سرعت گرفتن زمان شد و خلاقیت ملی را در نظام سازی جدید آشکار کرده است.

جنگ رمضان همچنین فرصتی شد که مفاهیم مورد بازاندیشی قرار گیرند. در تحلیل نظری باید گفت که امر ملی نه تنها در گذشته بلکه در اکنون و آینده هم ساخته می شود و ناشی از یک حس دینی و ظهور آن می باشد. امر ملی را نمی توان به گذشته ارجاع داد؛ این امر ساخته می شود و خلق جدید است. همچنین باید منتظر تعمق و خلاقیت های جدیدی در این مسیر بود. در این مقطع امر ملی ایرانی با رنگ و بوی امام رضایی ظهور می کند. این ملیت، دیگری ندارد. حتی شاید بتوان گفت که تأکید ها بر محور مقاومت هم مقدمه ای بود تا نسخه جدید امر ملی در این کشورها شکوفا شود. لذا در فرایند جنگ رمضان می توان شکوفایی امر ملی را در عراق و لبنان ملاحظه کرد. حزب الله لبنان و مقاومت عراق توانستند خود را در این جنگ بازسازی و تثبیت جایگاه کنند. تمدن نوین اسلامی هم با شکوفایی ملیتها محقق می شود. به هر حال جنگ نشان داد که ملیت یک شدن است و نه یک مفهوم ایستا که در تعارض با مفاهیم دیگری چون امت باشد. البته دوقطبی ملت و امت در عرصه نظری مطرح بود نه در عرصه عینی جامعه.

نکته حائز اهمیت دیگر آن است که ملیت در زمانه کنونی صرفاً با استعدادهای درونی سنجیده نمی شود و عوامل بین المللی و قدرت های خارجی هم نسبت به تحقق امر ملی بی تفاوت نیستند. در دنیای کنونی بویژه با سلطه استکباری آمریکا بر نظام بین الملل، تحقق هر ملیتی مواجه با فشارها و عدم تحمل از سوی این مستکبران می شود. همین امر بعضاً ملتها را در پیگیری تکامل اهداف ملی خود دچار تردید می کند. امام خمینی(ره) می فرماید: «نکته مهمی که همه ما باید به آن توجه کنیم و آن را اصل و اساس سیاست خود با

بیگانگان قرار دهیم این است که دشمنان ما و جهانخواران تا کی و تا کجا ما را تحمل می کنند و تا چه مرزی استقلال و آزادی ما را قبول دارند. به یقین آنان مرزی جز عدول از همهٔ هویتها و ارزشهای معنوی و الهی مان نمی شناسند.»

اما جنگ رمضان ترس از مواجهه و جنگ با ابرقدرتها را از بین برد و تهدیدهای کنونی ترامپ جامعه ایرانی را تکان نمی دهد. در صورتی که قبل از جنگ رمضان، سیاست پرهیز از جنگ را می شد در فضای جامعه مشاهده کرد. حملات خشن آمریکا که مصمم بود و است که استقلال هیچ کشوری را تحمل نکند، اتفاق افتاد. جمهوری اسلامی هم بطور معجزه آسایی توانست باقی بماند و به حیات خود ادامه دهد. رمز این تاب آوری را باید در شکل گیری نسخه جدیدی از امر ملی و ماهیت فرهنگی و تمدنی ایران اسلامی جستجو کرد. ایران با وجود همه ضرباتی که در چنگ رمضان متحمل شد؛ یک عزیمت داشت و با این عزم و اراده در خانه امن خود قرار گرفت و دیگران را هم در جای خود نشاند.

محمد علی فتح الهی